

بررسی مقاله «زبور» در دائره المعارف قرآن لیدن*

سید محمد موسوی مقدم**، حسن رضایی هفتادر***، حکیمه زوبنی****

چکیده

نوشتار حاضر در نقد مقاله «زبور» از آری شیپرز در دایره المعارف قرآن لیدن است. مهم‌ترین مباحث مقاله مذکور تعریف واژه زبور و تاریخ نگارش آن، نسخه‌های گوناگون زبور و اقسام آن، شباهت زبور و قرآن، حضرت داوود علیه السلام به عنوان نویسنده حکایت‌های مزامیر، ابتکار آن حضرت در همراه کردن سخنرانی با آواز و موسیقی، روابط خانوادگی حضرت داوود علیه السلام تأثیر صوت وی بر حیوانات و طبیعت، آزمایش حضرت داوود علیه السلام و دعای او برای آمرزش است.

بررسی دیدگاه‌های آری شیپرز درباره تاریخچه زبور و داشتن رویکرد تطبیقی در داستان حضرت داوود علیه السلام در خور توجه است، اما اشتباهات وی در موضوعاتی چون مورد آزمایش قرار گرفتن آن حضرت و موسیقی دان و پادشاه دانستن او، نشان می‌دهد که وی جانب‌دارانه با مسائل برخورد کرده است. او به دلیل یک‌سونگری، نتوانسته به دیدگاه‌های معتبر و اصیل اسلامی بپردازد و همین امر از اعتبار اثر وی می‌کاهد.

کلید واژگان: آری شیپرز، زبور، حضرت داوود علیه السلام، قرآن، پادشاه، آزمایش، موسیقی دان.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۱ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۱۰/۱۵

** استادیار پردیس فارابی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول): sm.mmoqaddam@ut.ac.ir

*** دانشیار پردیس فارابی دانشگاه تهران: hrezaii@ut.ac.ir

**** کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث پردیس فارابی دانشگاه تهران: zoveini@gmail.com

مقدمه

شناخت کتب آسمانی با توجه به نقش هدایتی و معجزه بودن آنها امری بایسته و ضروری است. زبور از جمله این کتب است که خداوند آن را بر حضرت داوود علیه السلام وحی کرده و اندر زها، دعاها، مناجات و نیایش‌های او با خداوند در سراسر آن ملاحظه می‌شود. خاورشناسان مطالعات بسیاری درباره کتب مقدس داشته‌اند، ولی در برخی موارد، مطالعات آنها با اهداف استعماری و تبشیری همراه بوده است؛ لذا شناخت درست این کتب و رفع شبهات پیرامون آنها ضرورتی انکارناپذیر است. در این زمینه، پژوهش حاضر به بررسی و نقد مقاله زبور در دائرةالمعارف قرآن لیدن مبادرت ورزیده است.

ترجمه مقاله زبور

زبور یا مزامیر، عنوان کتاب سرودها و اشعار دینی مدحی در کتاب مقدس یهودیان است که بر اساس اغلب تفاسیر در قرآن به آن اشاره شده است. خاخام‌ها در زبان عبری به آن «تهیلیم» می‌گویند که معنای ضمنی آن، کتب مقدس «سرودهای عبادی در معبد» پس از تبعید است. «پسالاموس» معادل یونانی «سرود» (آوازی) است که همراه با چنگ خوانده می‌شود. یکی از واژگانی که به طور مشترک در مورد این نوع ترکیبات در خود کتاب زبور وجود دارد، «مزمور» به معنای «سرود مذهبی» است که به واژه عبری «مزمار» مربوط می‌شود که «نوعی آلت موسیقی بادی مشابه ابوا» است. همه مزامیر عبری در یک زمان سروده نشده‌اند، بلکه - با توجه به ترجمه یونانی آن - باید حداقل به نیمه قرن دوم پیش از میلاد مربوط باشند. مزامیر حضرت داوود علیه السلام اولین مرحله از تدوین کتاب زبور به زبان عبری است.

هرچند نسخه‌های گوناگون کتاب زبور حاوی ۱۴۹، ۱۵۰ یا ۱۵۱ سرود یا مزمور است، به نظر می‌رسد ۱۵۰ عدد مطلوب باشد؛ زیرا نسخه یونانی آن حاوی مزمور اضافی است که بیش از حد معمول است؛ یعنی مزمور ۱۵۱ به عنوان کتاب جعلی قلمداد می‌شود. کتاب زبور به پنج فصل یا کتاب تقسیم می‌شود که هر یک شامل تعدادی مزمور است. هر کدام از چهار کتاب نخست، به وسیله سرود نیایش یا بیان ساختاری نیایش پروردگار متمایز شده‌اند؛ برای مثال، «منزه است پروردگار، از ازل تا ابد»، «منزه است پروردگار تا ابد» یا «آمین و آمین».

اقسام گوناگونی از مزامیر وجود دارد که باید از هم متمایز گردند: نوع اصلی آن سرود روحانی است. برخی از مزامیر به طور ویژه به ستایش نقش پادشاهی خداوند در این جهان و تورات می‌پردازند. حدود یک سوم زبور به سوگواری اختصاص دارد که طی آن، گوینده خواه به صورت فردی یا گروهی (که با ظلم یا بلایی در سطح جامعه خود روبه‌رو شده‌اند)، از درگاه خداوند شدیداً درخواست یاری می‌کنند. سرودهایی که فرد طبق آنها از یاری پروردگار اطمینان دارد، «سرودهای اطمینان‌بخش» نامیده می‌شوند. همچنین نوعی از این مزامیر به حمد و سپاس اختصاص دارد. توجه اصلی در «مزامیر پادشاهی» بر کسی است که خدا او را مسح کرده است؛ یعنی پادشاه زمینی بنی‌اسرائیل. این مزامیر که در آنها هیچ اشاره مستقیمی به حاکم حاضری نمی‌شود نیز دسته جداگانه‌ای را تشکیل می‌دهند. نوع دیگر از این‌گونه مزامیر برگرفته از ادبیات حکیمانه است. این‌گونه مزامیر ممکن است بیان‌گر تفکر یا موعظه باشند. مضمون این مزامیر اغلب به موقعیت‌های خاصی مانند توبه سراینده مزامیر از گناهان یا سپاس‌گزاری از پروردگار برای رهاوندنش از چنگ دشمنان مربوط می‌شود.

مشابه ترکیبی از این مزامیر را که در زبور وجود دارد، می‌توان در قرآن یافت که مجموعه متجانسی را تشکیل نمی‌دهد، بلکه ترکیبی از اقسام گوناگون است که سوره‌های آن، اغلب ترکیبی از ساختارها را تشکیل می‌دهد. مقایسه این دو کتاب مقدس (زبور عبری و قرآن عربی) ما را از ساختار پیچیده این متون مقدس آگاه می‌سازد. هر کدام از این اقسام مانند سرودهای روحانی، جملات حکیمانه، پیش‌گویی‌ها و اشعار؛ با هم ترکیب شده‌اند و هر قسم سبک، واژگان و زبان رسمی خاص خود را دارد.

برخی از این شباهت‌ها از قرآن استنباط می‌شود، آنجا که درباره زبور می‌فرماید: «کتاب زبور که از سوی خداوند به داوود اعطا شد» (نساء/۱۶۳؛ اسراء/۵۵). از این آیه فهمیده می‌شود که زبور به عنوان کتاب مقدسی شناخته می‌شود که قبل از قرآن نازل شده است.

نویسندگان حکایت‌های مزامیر، عبارت بودند از داوود پادشاه و تا حدود کم‌تری سلیمان. گاهی اوقات موقعیت شاعر در مزامیر را می‌توان به رویدادهایی مرتبط نمود که در زمان حیات داوود رخ داده بودند. همراه شدن سخنرانی با آواز و سرود، ابتکاری است که به داوود نسبت داده می‌شود (کتاب دوم تواریخ ایام ۱۸/۲۳). بر اساس تلمود، زبور الهام شد و موسیقی به عرضه این الهام کمک نمود:

«آلت موسیقی چنگ، بالای رختخواب داوود آویزان بود. هنگامی که نیمه شب فرارسید، باد شمالی به آن وزید و چنگ، خود به خود شروع به نواختن آهنگ نمود. داوود فوراً از خواب بیدار شد و متوجه شد که مشغول خواندن تورات است ... او تا نیمه شب خود را با خواندن تورات و پس از آن با سرودها و نیایش‌ها مشغول نمود».

در منابع اسلامی، طبری نیز به حدیثی اشاره کرده که داوود بر اساس آن، خود را وقف تورات نموده است. در قرآن، حدیث، «قصص الانبیاء؛ حکایات» و نوشته‌های تاریخی به زبان عربی، داوود نبی موسیقی‌دانی مشهور معرفی می‌شود. نام او در چند جای قرآن ذکر شده است. واژه زبور در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء به کار رفته است: در زبور ... نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!». این آیه یادآور مزمور عبری (مزمور ۳۷: ۹، ۱۱، ۲۹: «کسانی که وارث زمین خواهند شد»)، است. خداوند پادشاهی، علم، حکمت و توانایی قضاوت کردن (انبیاء/۷۸؛ ص/۴-۲۰، ۲۶) را به داوود بخشید. خداوند پرندگان و کوه‌ها را مسخر او نمود تا هنگام تسبیح با او همراه شوند (انبیاء/۷۸؛ سبأ/۱۰؛ ص/۱۸). در اینجا هیچ اشاره‌ای به خطای داوود نسبت به «اوریا» به منظور جلب عطوفت «بتشبع» نمی‌شود، اما برخی از آیات، نشان داده که داوود پادشاه، خود را گناهکار می‌داند که توبه او پذیرفته می‌شود (ص/ ۲۴).

در احادیث، بر اشتیاق داوود به نماز و به ویژه روزه و آمادگی‌اش برای توبه تأکید شده است. موضوع مطلوب دیگر، موهبت سرودن مزامیر است که به داوود اعطا شد. صدای او نه تنها روی انسان‌ها، بلکه بر حیوانات وحشی و طبیعت بی‌جان تأثیر سحرانگیز داشت. در سایر منابع اسلامی مانند آثار مفسران، تاریخ‌نگاران و گردآورندگان قصص الانبیاء، آثار دو مورخ یعنی یعقوبی و طبری اهمیت ویژه‌ای دارد. با اینکه هر دو احتمالاً آثارشان را بر پایه متونی از منابع یکسان به نگارش درآورده‌اند، آثار این دو کاملاً مستقل از یکدیگر است.

یعقوبی متنی مفصل در مورد داوود دارد. وی به عنوان جانشین طالوت و کسی که فلسطینیان را به زیر سلطه درآورد، به تصویر کشیده می‌شود. رابطه بین «بتشبع» و سخنان سرزنش‌آمیز «ناتان» نبی به داوود آمده است. روابط خانوادگی با برادرانش کم و بیش بر اساس کتب مقدس توضیح داده می‌شود؛ مانند شورش پسرش «أبشالوم» که توسط «یوآب» به قتل می‌رسد. در متن یعقوبی، برخلاف روایت کتاب مقدس، «برزلایی» علیه داوود

لشکرکشی می‌کند و هنگامی که خداوند داوود را از دست او نجات داد، داوود مزموری را قرائت نمود. این مزمور به زبان عربی گزارش شده و بسیار شبیه مزمور هجدهم است که در آن داوود از خداوند به دلیل نجات او از شر دشمنانش شکرگزاری می‌نماید. سپس ترجمه عربی مزمور یکم آمده است که با این عبارت آغاز می‌شود: «رحمت بر آن افرادی که از راه گناه‌کاران پیروی نمی‌کنند».

مزامیر دیگر مربوط به تحسین و تمجید، به زبان عربی نقل می‌شوند که به ترتیب نشان‌دهنده مزامیر ۱۴۸، ۱۴۹ و ۱۵۰ هستند. سپس مزمور جعلی ۱۵۱ نیز به زبان عربی نقل می‌گردد. تصور می‌شود این مزمور بیشتر خودزندگی‌نامه باشد؛ داوود در این مزمور به ما می‌گوید که از همه برادرانش کوچک‌تر بود، گوسفندان پدرش را چوپانی می‌کرد و نی‌ها را قطع می‌نمود و با آنها فلوت می‌ساخت. اما خداوند فرشتگانش را بر او نازل نمود و او را از گوسفندان و برادرانش جدا ساخت و نبرد با جالوت را برایش مقدر نمود. داوود بت‌پرستان را با بریدن سرهایشان با شمشیر خود به قتل رساند. پس از این قسمت، یعقوبی به پیری داوود و جانشینی سلیمان پس از وی می‌پردازد.

طبری دیدگاه‌های مفسران قدیمی قرآن از جمله تعاریف اصطلاحاتی مانند زبور را در تفسیر خود جمع‌آوری کرده، است. وی در تفسیر آیه ۱۰۵ سوره انبیاء معانی گوناگونی برای زبور می‌نگارد: «تمام کتاب‌های انبیا که خداوند برای آنها نازل نموده»، «کتاب‌هایی که پس از موسی به پیامبران وحی شد» و «کتاب خاصی که به داوود وحی شد».

در تفسیر طبری در مورد آیه ۱۸۴ سوره آل عمران، «زُبُر» اصطلاحی کلی برای کتاب براساس شواهد شعر پیش از اسلام است. وی در تفسیر آیه ۱۶۳ سوره نساء می‌نویسد: «اعراب می‌گویند زبور داوود و به همین دلیل، دیگران کتاب او را می‌شناسند».

طبری بخشی از تاریخ خود یعنی تاریخ جهان را به طالوت، داوود و سلیمان اختصاص می‌دهد. وی در این اثر ارتباط داوود با زبور را بدین شرح می‌آورد: هنگامی که بنی‌اسرائیل در اطراف داوود گرد هم آمدند، خداوند زبور را برای او فرستاد و آهنگری به وی آموخت و آهن ۱۱۵ را برایش نرم ساخت. خداوند همچنین به کوه‌ها و پرندگان امر نمود: هنگامی که او آواز می‌خواند، سرود نیایش را سر دهند. براساس آنچه نقل شده، خداوند در آفرینش خود به هیچ‌کس چنین صوتی نبخشید؛ بنابراین، هنگامی که داوود زبور را قرائت می‌کرد، حیوانات وحشی با

اشتیاق به او خیره می‌شدند تا جایی که در یک ردیف قرار می‌گرفتند و با اشتیاق به صدایش گوش می‌دادند. شیاطین فلوت، عود و سنج‌ها را تنها براساس الگوی صدای داوود اختراع نمودند. داوود در عبادت، بسیار سخت‌کوش و پی‌گیر بود و بسیار گریه می‌کرد.

طبری قرآن و متن روایات را نیز در تاریخ خود گنجانده است؛ از جمله آیات ۸-۱۷ سوره ص که طی آن خداوند داوود را برای حضرت محمد ﷺ این‌گونه توصیف می‌نماید: «و به خاطر بیاور بنده ما داوود صاحب قدرت را که او بسیار توبه‌کننده بود! ما کوه‌ها را مسخر او ساختیم که هر شامگاه و صبحگاه با او تسبیح می‌گفتند!».

طبری می‌افزاید:

«همچنین ذکر شده است که داوود تا پاسی از شب بیدار می‌ماند و نیمی از اوقات، روزه بود. براساس آنچه ذکر شده، هر روز و شب چهار هزار تن از او محافظت می‌کردند».

داوود خواست همچون ابراهیم که با قربانی کردن پسرش آزمایش شد و یعقوب که با اندوه از دست دادن پسرش یوسف آزمایش گردید، آزموده شود. اما هنگامی که با زیبایی اغواکننده بتشبع همسر اوریا روبه‌رو شد، نتوانست تحمل کند. هرچند در قرآن هیچ اشاره‌ای به داستان بتشبع نشده است، طبری هنگامی که در مورد توبه داوود به دلیل ازدواج با بتشبع و رهایی از شر شوهرش سخن می‌گوید، آیه ۲۴ سوره ص را نقل می‌کند که در آن آمده است: «او به سجده افتاد و توبه نمود». البته تمام این موارد، به داوود به عنوان سراینده مزامیری در نیایش خداوند و نیز مزامیری در طلب مغفرت اشاره دارند. بر اساس سایر روایات مسلمانان، بتشبع نامزد اوریا بود و با وی ازدواج نکرده بود.

همان‌طور که از ترجمه‌های یعقوبی فهمیده می‌شود، کتاب زبور ابتدا با ترجمه عربی در دسترس بود برونو فیولت بخشی از ترجمه عربی مزامیر به دست مسیحیان را (شامل مزامیر ۷۸: ۲۰-۳۱، ۵۱-۶۱ به حروف بزرگ یونانی از قرن دوم هجری) در دمشق شناسایی کرده است.

تفسیر (و ترجمه عربی) سعدیا گائون با نام مستعار سعدبن یوسف فیومی، در محافل یهودی و مسیحی شهرت خاصی داشت. البته تفسیر برخی از اعضای فرقه قرائیم مانند یافث‌بن‌علی (ابوعلی حسن‌بن‌علی بصری، قرن چهارم هجری) نیز شایان ذکر است. در اسپانیا علاقه به زبور با نگارش کتاب «الفصل فی الملل و الأهواء و النحل» ابن‌حزم به اوج خود رسید. پیش از ابن‌حزم در قرن سوم، یکی از مسلمانان اسپانیا به نام حفص قوطی، مزامیر را

احتمالاً نه مستقیماً از عربی، بلکه از نسخه لاتین جروم به نظم درآورده بود. تا آن زمان، دو ترجمه زبور به صورت نثر در اندلس وجود داشت. ابن حزم در کتاب «فصال» به محتوای تعدادی از مزامیر مانند مزمور ۷:۲ که در آن جمله‌ای در مورد پسر خداست، بسیار انتقاد کرده است. وی همچنین به ده مزمور دیگر مانند مزامیر ۶:۸۱ و ۷:۴۴ پرداخت. این نشانه‌ای از شهرت فراوان زبور است که در قالب برخی از اشعار شعرای شرق و غرب جهان اسلام، مانند ابوالعتاهیه و ابن خفاجه بازتاب می‌یابد. ابن خفاجه، شاعر اندلسی، در یکی از اشعارش می‌گوید: «خوشا به حال کسی که از روی خشیت پروردگارش به عبادت بایستد، درحالی که تاریکی شب او را فراگرفته است!». این سخن بازتابی آشکار از مزمور ۱:۱ است. در عصر جدید، اقبال، شاعر اردو زبان، مجموعه اشعاری را با عنوان «زبور عجم» سرود که ربطی به زبور داوود ندارد (Schipper, «Psalms», 2004: 4/314-317).

بررسی مقاله زبور

مقاله زبور دارای نکات مثبت و منفی است.

یک. نکات مثبت

در این مقاله دو نکته مثبت زیر دیده می‌شود:

الف) تبیین گسترده تاریخچه بحث

نویسنده هم در آغاز مدخل، به تاریخچه زبور (شکل ظاهری، زبان، تاریخ نگارش، اقسام و نسخه‌های موجود آن و ...) اشاره کرده و هم در بخش پایانی آن. در واقع، بخش مهمی از مقاله به این قسمت اختصاص یافته است.

ب) رویکرد تطبیقی بین قرآن و کتاب مقدس

نویسنده در داستان حضرت داوود علیه السلام رویکرد تطبیقی نسبتاً محدودی داشته است؛ گرچه محتوای تطبیقش جای بحث دارد؛ مانند اشتیاق حضرت داوود علیه السلام به نماز و روزه، آمادگی او برای تحمل عذاب برای آمرزش گناهان، موهبت سرودن مزامیر به حضرت داوود علیه السلام تأثیر سحرآمیز صدای او روی انسان‌ها و حیوانات وحشی و ... که این رویکرد، روش مناسبی برای پرداختن به این موضوع است.

دو. کاستی‌ها

مواردی در این مقاله وجود دارد که قابل نقد است و آنها را در دو قسمت بررسی و نقد می‌کنیم.

اول - نقدهای کلی

ابتدا به بررسی برخی ضعف‌ها و اشکالات کلی می‌پردازیم که بر این مدخل وارد است:

۱- برخورد جانب‌دارانه و داشتن پیش‌فرض‌های ذهنی خاص

نویسنده در تفسیر آیات از جمله آیه ۲۴ سوره «ص»، با دادن گزارش‌های روایی و تاریخی خود، بی‌شک با آرا و نظریه‌های دیگر دانشمندان اسلامی برخورد کرده است، ولی هیچ نشانی از آنها به دست نمی‌دهد. وی به دلیل داشتن پیش‌فرض‌های ذهنی خاص، بیشتر به کتاب طبری و یعقوبی مراجعه کرده و مواردی را از آنها انتخاب نموده که با مبنای خودش و تورات امروزی مطابقت دارد نه با واقعیت.

۲- بی‌توجهی به مسأله عصمت پیامبران

عصمت یکی از مهم‌ترین مبانی تحقیق درباره پیامبران است. نسبت دادن عمل نامشروع به حضرت داوود علیه السلام و معرفی او به عنوان موسیقی‌دان از مواردی است که ناقض عصمت به شمار می‌رود. توجه نداشتن به این مسئله، مطالعه و بررسی را در این باره بی‌نتیجه خواهد کرد.

دوم - نقدهای تفصیلی

علاوه بر نقدهایی که به صورت کلی در این نوشتار بیان شد، نقدهای دیگری هم بر آن وارد است که به صورت تفصیلی به آنها می‌پردازیم:

۱- حضرت داوود علیه السلام پادشاه بنی اسرائیل

آقای شیپرز حضرت داوود علیه السلام را بیشتر به عنوان پادشاه می‌شناسد نه نبی و بیان می‌کند: «مزامیر پادشاهی که توجه اصلی در آنها به کسی است که خدا او را مسح کرده؛ یعنی پادشاه زمینی بنی اسرائیل، نیز دسته جداگانه‌ای را تشکیل می‌دهند». (Schippers, «Psalms», 2004: 4/314)

بررسی

این دیدگاه نویسنده، برگرفته از تورات فعلی است؛ چون در عهد قدیم از حضرت داوود علیه السلام با عنوان «پادشاه» یاد شده (کتاب مقدس، عهد قدیم، سموئیل و پادشاهان) و «پادشاه» بودن او مهم‌تر از «نبی» بودن اوست (باش، القرآن و التوراه، ۱۴۲۰: ۱/۳۱۸-۳۱۹). بنا بر عهد قدیم، اگر خداوند می‌خواست پیامی را به حضرت داوود علیه السلام برساند، از طریق پیامبر دیگری می‌رساند و از این جهت او را پیامبر می‌داند. این دیدگاه، زمینه را برای نسبت دادن ظلم و گناه به این پیامبر فراهم کرده است؛ چنان که این امر در برخی مطالب تورات فعلی به وضوح دیده می‌شود، در حالی که قرآن آشکارا حضرت داوود علیه السلام را «نبی» معرفی می‌کند. از دیدگاه قرآن، داوود از پیامبران برگزیده الهی است که خداوند «ملک عظیم» را به او بخشید و مقام پادشاهی و حاکمیت، کم‌ترین چیزی بود که خداوند در مقابل مقام نبوت به او اعطا نمود (همان، ۳۱۹)؛ چنان که پیامبران الهی دیگر مانند حضرت یوسف علیه السلام حضرت سلیمان علیه السلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و ... را نیز مشاهده می‌کنیم که خداوند علاوه بر مقام نبوت، رهبری جامعه را نیز در اختیار آنان قرار داده بود و این دو مقام (پادشاهی و نبوت) منافاتی با هم ندارند. برای اثبات این مطلب، به برخی دلایل قرآنی و روایی می‌پردازیم:

الف) دلایل قرآنی

۱. ﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا﴾ (نساء/ ۱۶۳)؛ «ما هم‌چنان که به [حضرت] نوح و پیامبران بعد از او وحی کردیم، به تو [نیز] وحی کردیم و به [حضرات] ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان [نیز] وحی نمودیم و به [حضرت] داوود زبور بخشیدیم.

۲. ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (نمل/ ۱۵)؛ «و حقا که ما به [حضرت] داوود و [حضرت] سلیمان، دانشی دادیم (دانش شریعت، قضاوت، سیاست، صنعت و فهم سخن پرندگان) و گفتند: ستایش از آن خداوندی است که ما را بر بیش‌تر بندگان باایمان خود برتری داد».

۳. ﴿يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ﴾ (ص/ ۲۶)؛ «ای

داوود، ما تو را در زمین خلیفه [و جانشین] گردانیدیم؛ پس میان مردم به حق داوری کن و زنهار از هوس پیروی مکن که تو را از راه حق به در کند. در حقیقت، کسانی که از راه خدا به در می روند، به [سزای] آن که روز حساب را فراموش کرده‌اند، عذابی سخت خواهند داشت».

چنان که ملاحظه می‌شود، این آیات به روشنی به مسئله «نبوت» حضرت داوود علیه السلام اشاره دارد و ویژگی‌های نبی از جمله عصمت، وحی، اعجاز، علم و ... را برمی‌شمارد و در عین حال، این نکته را یادآور می‌شود که او صاحب خلافت و ولایت الهی از جانب پروردگار نیز بود.

ب) دلایل روایی

۱. قال ابی جعفر علیه السلام: «ان الله تبارک و تعالی لم یبعث الانبیاء ملوکا فی الارض الا اربعة بعد نوح؛ ذوالقرنین و اسمه عیاش و داود و سلیمان و یوسف: فاما عیاش فملک ما بین المشرق و المغرب و اما داود فملک ما بین الشامات الی بلاد اصطخر و کذلک کان ملک سلیمان و اما یوسف فملک مصر و براریها» (صدوق، الخصال، ۱۳۶۲: ۱/۲۴۸)؛

امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند بعد از نوح، چهار تن از پیامبران را به حکومت و پادشاهی رسانید؛ آن‌ها عبارت بودند از: [حضرات] عیاش یا ذوالقرنین، داوود، سلیمان و یوسف که عیاش بر شرق و غرب عالم حکم راند؛ [حضرت] داوود علیه السلام و [حضرت] سلیمان علیه السلام که منطقه حکومتی آن‌ها از شامات تا سرزمین‌های اصطخر بود و [حضرت] یوسف علیه السلام که بر مصر و نواحی آن حکومت می‌کرد.

۲. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: ان الله اختار من الانبیاء اربعة للسیف ابراهیم و داود و موسی و انا (همان، ۲۳۵)؛

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند از میان پیامبران، چهار تن را برای شمشیر و جهاد برگزید: ابراهیم و داوود و موسی و من.

در این روایات هم از حضرت داوود علیه السلام با لفظ «نبی» سخن به میان آمده است.

۲- داوود علیه السلام موسیقی‌دان معروف

آقای آری شیپرز، حضرت داوود علیه السلام را موسیقی‌دان می‌داند و می‌نویسد: «در قرآن، حدیث، «قصص انبیاء؛ حکایات» و نوشته‌های تاریخی به زبان عربی، داوود علیه السلام موسیقی‌دان مشهور معرفی می‌شود» (Schippers, «Psalms», 2004: 4/315).

بررسی

در هیچ آیه‌ای از قرآن، احادیث معتبر، کتاب‌های قصص الانبیاء و نوشته‌های تاریخی معتبر مسلمانان اشاره نشده که حضرت داوود علیه السلام موسیقی‌دان بوده است. باید گفت فقط نویسنده، این مطلب را ادعا کرده و هیچ دلیل مورد قبولی برای اثبات آن نیاورده است. توضیحات زیر برای رد این ادعا آورده می‌شود:

۱. موسیقی واژه‌ای یونانی است که در فرهنگ لغت بدین شکل معنا شده است: «هنری است که از ترکیب اصوات به وجود می‌آید» (معین، فرهنگ فارسی، ۱۳۸۸: ۱/ ۳۵-۴۴) و به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف) موسیقی طبیعی که شامل اصوات و نغمه‌های موزون و متناسب است که از طبیعت برخی اشیا یا از حنجره حیوانات و انسان‌ها شنیده می‌شود؛ مانند نغمه جویبارها، صدای آبشارها، صدای وزش بادهای ملایم در میان درختان، نوای پرندگان و ...؛

ب) موسیقی هنری شامل صداهایی است که از نواختن آلات موسیقی تولید می‌شود (میرزاخان، مبانی فقهی روانی موسیقی، بی تا: ۱۳). این نیز خودش دو قسم می‌شود: یکی آوازی که مناسب با مجالس لهو و خوش‌گذرانی است و از آن با معادل «غنا» یاد می‌شود. دیگری آهنگی است که از این مشخصه عاری باشد (خمینی، المکاسب المحرمه، ۱۴۲۷: ۱/ ۳۰۵-۳۰۷). با اندکی تأمل در آیات و روایات و منابع فقهی، حرمت «غنا» به خوبی آشکار می‌گردد؛ برای نمونه، به چند مورد اشاره می‌کنیم:

یک - نگاه قرآن به موسیقی

۱. ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾ (لقمان / ۶)؛ «و از مردم کسانی هستند که سخنان لهو و بیهوده را می‌خرند (مانند غناء طرب‌آور، ترانه‌های فاسد، اشعار و گفتارهای رکیک، بهتان و غیبت‌سرایی و افسانه‌های فسادانگیز و ...) تا جاهلانه (مردم را) از راه خداوند گمراه سازند و آن را مسخره گیرند. آن‌ها عذابی خوارکننده خواهند داشت».

۱۲۱ «لهو الحدیث» به هر گونه سخنی گفته می‌شود که آدمی را از حق منحرف نموده، به خود مشغول سازد و آدمی را به فساد و فجور کشاند (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۱۶/ ۱۲۰). روایات متعددی آن را به غنا تفسیر کرده و از مصادیقش دانسته‌اند (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱۱۹/۵؛ ۴۳۱/۶ و ۴۳۳).

۲. «ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يَنْتَلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» (حج / ۳۰)؛ «این است (حجتی که بر ابراهیم و بر تو نوشتیم) و هر کس برنامه‌های محترم خدا را بزرگ شمارد، برای او نزد پروردگارش بهتر است و همه چهارپایان جز آن چه همواره بر شما خوانده می‌شود، بر شما حلال گردید؛ پس از بت‌های پلید پرهیز نمایید و از گفتار انحرافی (مانند دروغ، بهتان، شهادت به ناحق، و آوازه خوانی) دوری جوید!».

«قول الزور» به گفتاری اطلاق می‌شود که از مسیر اصلی‌اش منحرف گردد و غیرواقعی باشد (راغب اصفهانی، المفردات، ۱۴۱۲: ۳۸۷/۱). غنا در روایات مختلفی از مصادیق «قول الزور» برشمرده شده است (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۴۳۱/۶ و ۴۳۵-۴۳۶: ۴۳۶/۲؛ صدوق، الخصال، ۱۳۶۲: ۳۴۹ و ۴۳۹؛ همو، التوحید، ۱۳۹۸: ۳۳۰؛ قمی، تفسیر قمی، ۱۳۶۳: ۵۸/۲؛ صدوق، امالی، ۱۳۷۶: ۳۰/۱).

۳. «وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» (مؤمنون / ۳)؛ «و آنان که از هر بیهوده و زشتی روی می‌گردانند».

از امامان معصوم (علیهم‌السلام) نقل شده که مراد از «لغو» همان «غنا»ست (قمی، تفسیر قمی، ۱۳۶۳: ۶۴/۲ و ۱۱۹).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، این آیات ویژگی مؤمنان را این‌گونه توصیف می‌کند که از هرگونه امر لهو، لغو و زور به دور هستند. پس چگونه ممکن است که حضرت داوود (علیه‌السلام) که از انبیای الهی به شمار می‌آید، با موسیقی و غنا که از مصادیق لهو و لعب است، مأنوس باشد؟

دوم - نگاه روایات به موسیقی

روایات زیادی درباره تحریم موسیقی و استفاده از آلات آن وجود دارد، به طوری که تنها در وسائل الشیعه، ۵۲ روایت در این باره ذکر شده است (ر.ک: حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعه، ۱۴۰۹: ۱۷/۳۰۳-۳۱۸). برای تبیین این موضوع، به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

قال الصادق (علیه‌السلام) انما حرم الله الصناعة التي هي حرام كلها التي يجيء منها الفساد محضا، نظير البربط و المزامير و الشطرنج و كل ملهويه. . . فحرام تعليم و تعلم و العمل به و اخذ الاجر عليه و جميع الثقلب فيه من جميع وجوه الحركات كلها؛ (ابن شعبه، تحف العقول، ۱۴۰۴: ۳۳۴).

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند ساخت و ساز چیزهایی را که همه منافع آنها حرام و فسادآور باشد، حرام فرموده است؛ مانند سازها، نی‌ها و شطرنج و هر چیزی که وسیله لهو و غفلت از یاد خدا باشد... اینها چیزهایی هستند که یاد دادن، یاد گرفتن، کار کردن با آنها، هر گونه اجرت گرفتن برای آنها و هر نوع تصرفی در آنها به هر کیفیتی که باشد، حرام است. قال رسول الله صلی الله علیه و آله يحشر صاحب الطنبور يوم القيامة اسود الوجه و بيده طنبور من نار و فوق رأسه سبعون الف ملك بيد كل ملك مقمعة يضربون رأسه و وجهه و يحشر صاحب الغناء من قبره اعمى و اخرس و ابكم و يحشر الزاني مثل ذلك و صاحب المزمار مثل ذلك و صاحب الدف مثل ذلك؛ (شعیری، جامع الاخبار، بی تا: ۱۵۴).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: صاحب طنبور در روز قیامت روسپاه محشور می‌شود، در دست او طنبوری از آتش است و هفتاد هزار ملک (از مأموران عذاب) بالای سر او قرار می‌گیرند و عمودی در دست هر کدام است که بر سر و صورت او می‌زنند. صاحب غنا (آوازخوان و شنونده آن) از قبرش کور و کر و لال برانگیخته می‌شود. زناکار، صاحب مزمار و صاحب دایره نیز همانند او محشور می‌شوند.

با نگاهی کوتاه به این روایات متوجه می‌شویم امامان علیهم السلام موسیقی و استفاده از آلات آن را به شدت توبیخ و مذمت کرده‌اند. پس چگونه باور داشته باشیم پیامبری مانند حضرت داوود علیه السلام موسیقی‌دان معرفی شود؟

با جست‌وجو در آیات و روایات و قصص الانبیاء و نوشته‌های تاریخی درباره حضرت داوود علیه السلام در می‌یابیم که تنها این منابع به صوت زیبا و نجوای آهنگین او اشاره دارند. برای نمونه، به چند مورد از آنها می‌پردازیم:

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِیْ مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَأَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ﴾ (سبأ/۱۰)؛ «و ما به داوود از سوی خود فضیلتی بزرگ بخشیدیم (ما به کوه‌ها و پرندگان گفتیم: ای کوه‌ها و ای پرندگان! با او هم‌آواز شوید و همراه او تسبیح خدا گوید! و آهن را برای او نرم کردیم».

این آیه از صوت زیبایی حضرت داوود علیه السلام سخن می‌گوید که به عنوان فضل و عطیه از جانب خداوند به وی عطا شده بود. همچنین به این نکته اشاره می‌کند که آن قدر نیایش‌های او گیرا و طنین‌انداز بود که جمادات هم با وی هم‌نوایی می‌کردند (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۳۱۶/۱۶-۳۱۷).

امیرمؤمنان علی علیه السلام در نهج البلاغه، حضرت داوود علیه السلام را «قاری اهل بهشت» معرفی می‌کند (نهج البلاغه، خطبه ۱۸). امام صادق علیه السلام نیز صوت حضرت داوود را «منحصر به فرد» می‌دانستند:

«أُنزِلَ اللَّهُ عَلَيْهِ الزَّبُورَ وَعَلَّمَهُ صَنْعَةَ الْحَدِيدِ فَلَيَّنَّهُ لَهُ وَأَمَرَ الْجِبَالَ وَالطَّيْرَ يُسَبِّحْنَ مَعَهُ قَالَ وَلَمْ يُعْطَ أَحَدٌ مِثْلَ صَوْتِهِ» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۴۵۲/۱۳).

خداوند بر او زبور را نازل کرد و به او هنر آهنگری را آموخت و برای او آهن را نرم گردانید و به کوه‌ها و پرندگان دستور داد تا همراه با او به تسبیح بپردازند. گفته شده به کسی صوتی مثل او داده نشده است.

حضرت داوود علیه السلام از صدای دلنشین خود برای تلاوت ادعیه و مناجات استفاده می‌کرد. وی زبور را با لحن و قرائت خاصی تلاوت می‌نمود، به طوری که گفته‌اند گویا در حلق او نی وجود داشته است (زمخشری، الفائق فی غریب الحدیث، ۱۴۱۷: ۹۳/۲). به همین دلیل، این کتاب در نزد اهل کتاب با عنوان «مزامیر» خوانده شده است. مزامیر از ترنم‌ها و قطعات آهنگینی به نام «مزمور» (نای) تشکیل شده که محتوای آن را نیایش‌ها، سرودهای دینی، ستایش پروردگار، اندرزهای حضرت داوود نبی علیه السلام و ... در بر می‌گرفت. پس ممکن است آنچه به موسیقی تعبیر شده، مقصود همان موسیقی طبیعی یعنی تلاوت زبور بوده باشد.

به نظر می‌رسد آقای شیپرز که حضرت داوود را موسیقی‌دان دانسته، آن را از تورات و تلمود یهودیان برگرفته است؛ چنان که در عهد عتیق آمده است: «پسران لاویان بر وفق آنچه موسی امر فرموده بود، چوب‌دستی‌های تابوت خدا را بر کتف‌های خود گذاشتند و آن را برداشتند. داوود رؤسای لاویان را فرمود تا برادران خود مغنیان را با آلات موسیقی - از عودها و بریطها و سنج‌ها - تعیین نمایند تا به آواز بلند و شادمانی صدا زنند ... همه بنی اسرائیل تابوت را به آواز شادمانی و آواز بوق و کرنا، سنج و عود و بریط می‌نواختند و چون تابوت عهد خداوند وارد شهر داوود شد، میکال (دختر طالوت) از پنجره نگریست و داوود پادشاه را دید که رقص و وجد می‌نماید ...».

هیچ اثری از این مطالب خرافی و غیر واقعی در قرآن و روایات دیده نمی‌شود. قرآن حضرت داوود علیه السلام را «خلیفه الله» و جانشین الهی معرفی می‌کند (ص/۲۶) که قلبش به آخرت و یاد مرگ آباد گشته و از هرگونه امر لغو و هرزگی، پاک و مبرا بوده است (مؤمنون/۳).

۳- انتساب عمل منافی عفت به حضرت داوود علیه السلام

شپیرز حضرت داوود علیه السلام را به انجام عمل منافی عفت متهم می‌کند و می‌نویسد: «هیچ اشاره‌ای به خطای حضرت داوود علیه السلام نسبت به اوریا به منظور جلب عطوفت بتشبع نمی‌شود، اما در برخی از آیات قرآن، نشان داده شده که داوود پادشاه، خود را گناهکار می‌داند و توبه او پذیرفته می‌شود» (Schippers, «Psalms», 2004: 4/315).

بررسی

قرآن در آیات ۲۱-۲۵ سوره ص درباره حضرت داوود می‌فرماید:

«و آیا خبر دادخواهان - چون از نمازخانه [او] بالا رفتند - به تو رسید؟ * وقتی [به طور ناگهانی] بر [حضرت] داوود درآمدند و او از آنان به هراس افتاد، گفتند: «مترس [ما] دو مدعی [هستیم] که یکی از ما بر دیگری تجاوز کرده، پس میان ما به حق داوری کن و از حق دور مشو و ما را به راه راست راهبر باش * این [شخص] برادر من است. او را ۹۹ میش و مرا یک میش است و می‌گوید: آن را به من بسیار و در سخنوری بر من غالب آمده است» * [حضرت داوود] گفت: قطعاً او در مطالبه میش تو [اضافه] بر میش‌های خودش، بر تو ستم کرده و در حقیقت بسیاری از شریکان به همدیگر ستم روا می‌دارند، به استثنای کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند و اینها بس اندکند و [حضرت] داوود دانست که ما او را آزمایش کرده- ایم. پس از پروردگارش آمرزش خواست و به رو درافتاد و توبه کرد * و این [ماجرا] را بر او بخشودیم و در حقیقت، برای او پیش ما تقرب و فرجامی خوش خواهد بود».

در این آیات، علت آمرزش خواستن حضرت داوود علیه السلام مسبوق به معصیت نیست و به عصمت و عدالت وی آسیبی وارد نمی‌کند. توضیح بیشتر اینکه اولیای خدا آن قدر در اوج کمال و قرب الهی قرار دارند که برای خودشان وظایفی فوق وظایف دیگران قائل هستند و هرگونه قصور در برابر معبود را گناهی عظیم برای خود به حساب می‌آورند و هیچ‌گاه عبادت خود را لایق عبادت خداوند نمی‌دانند (مصباح یزدی، آموزش عقاید، ۱۳۷۸: ۴۴/۲). در اینجا نیز حضرت داوود علیه السلام به دلیل مرتکب شدن ترک اولی و شتاب در داوری، درصدد استغفار برآمد (فخر رازی، مفاتیح‌الغیب، ۱۴۲۰: ۳۸۶/۲۶)؛ چون وی بدون استماع دفاع مدعی‌علیه حکم کرد که ممکن بود دلیل قانع‌کننده‌ای داشته باشد. اگرچه این حکم، حکم نهایی حضرت داوود علیه السلام نبود، همین مقدار عجله در قضاوت، شایسته مقام قضاوت یک پیامبر نبوده است.

نکته دیگر اینکه این جریان، به نوعی آزمایش الهی در ظرف تمثیل برای حضرت داوود علیه السلام بود. ظرف تمثیل، همان عالم مثال است که در آن تکلیف و عصیان نیست. مانند این است که انسان در حالت خواب آزموده شود و بعد از بیداری، استغفار کند که زمینه کمالات را بیش از پیش فراهم سازد تا در آزمون‌های مشابه آن پیروز شود. آنچه انسان در حالت خواب و تمثلات برزخی می‌بیند، معصیت نیست، ولی استغفاری که در بیداری و حال عادی می‌کند، عبادت و اطاعت است (جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ۱۳۷۶: ۲۴۳/۷)؛ بنابراین، هیچ‌گاه آموزش خواستن حضرت داوود علیه السلام به سبب مسائلی مانند عشق و علاقه به همسر «اوریا» نبوده و تنها به علت ترک اولی بود که از او سر زد.

خلاصه داستان داوود بنا بر کتاب سموئیل دوم در تورات محرف کنونی چنین است: شبانگاه بود که داوود از تخت خود برخاست و بر بالای بام کاخ به قدم زدن پرداخت. از آنجا نگاهش به زنی افتاد که داشت حمام می‌کرد و تن خود را می‌شست و زنی بسیار زیبا بود. داوود کسی را فرستاد تا تحقیق حال او کند. به او گفتند: او «بتشبع» همسر «اوریا» حتی است. پس داوود رسولانی فرستاد، زن را گرفته، نزدش آوردند و داوود با او همیستر شد، در حالی که زن از خون حیض پاک شده بود. پس زن به خانه خود برگشت و از داوود حامله شد. به داوود خبر داد من حامله شده‌ام. از سوی دیگر، اوریا در آن ایام در لشکر داوود کار می‌کرد و آن لشکر در کار جنگ با «بنی‌عمون» بودند. داوود نامه‌ای به «یوآب» امیر لشکر خود فرستاد و نوشت که اوریا را نزد من روانه کن. اوریا نزد داوود آمد و چند روزی نزد وی ماند. داوود نامه‌ای دیگر به یوآب نوشت و توسط اوریا روانه ساخت. او در آن نامه نوشت: «اوریا را مأموریت‌های خطرناک بدهید و او را تنها بگذارید تا کشته شود!» یوآب نیز همین کار را کرد و اوریا کشته شد و خبر کشته شدنش به داوود رسید. پس همین که همسر اوریا از کشته شدن شوهرش خبردار شد، مدتی در عزای او ماتم گرفت و چون مدت عزاداری و نوحه‌سرایی تمام شد، داوود او را به همسری خود گرفت. بتشبع برای او فرزندی آورد. عملی که داوود کرد، در نظر رب عمل قبیحی بود (کتاب سموئیل دوم، ۱۱/ ۲-۲۷).

در داستان پیش‌گفته نکاتی وجود دارد که تأمل برانگیز است:

افتادن نگاه حضرت داوود علیه السلام به بدن برهنه زن و جای گرفتن عشق هوس‌آلود در دل پیامبر خدا و همبستری وی با زن شوهردار و به وجود آمدن فرزند نامشروع!!! دستور بسیار ناجوانمردانه نبی خدا به یوآب فرمانده سپاه و در معرض قتل قرار دادن اوریا پاكدل و شجاع!!!

اکنون به بقیه داستان با استناد به کتاب سموئیل دوم برگردیم:

رب، «ناثان» پیغمبر را نزد داوود فرستاد و او هم آمد و به او گفت: «در شهری دو تن مرد زندگی می‌کردند؛ یکی فقیر و دیگری توانمند. مرد توانگر، گاو و گوسفند بسیار زیادی داشت و مرد فقیر به جز یک میش کوچک، چیزی نداشت که آن را نیز به زحمت بزرگ کرده بود. در این میان، میهمانی برای مرد توانگر رسید، او از اینکه یکی از گوسفندان و گاوهای خود را ذبح کند تا میهمان را پذیرایی نماید، دریغ ورزید و یک میش مرد فقیر را ذبح کرد و برای میهمان خود طعامی تهیه نمود. داوود از شنیدن این رفتار، بسیار خشمگین شد و به ناثان گفت: «باید آن مرد طمع‌کار کشته شود، باید این کار را بکنید و به جای یک میش چهار میش از گوسفندان او برای مرد فقیر بگیرید، برای اینکه بر آن مرد فقیر رحم نکرده و با او چنین رفتار کرده است.»

ناثان به داوود گفت: «تفاقی آن مرد، خود تو هستی و خدا تو را عقاب می‌کند و می‌فرماید: بلا و شری بر خانه‌ات مسلط می‌نماید و در پیش رویت، همسرانت را می‌گیرند و آنان را به خویشاوندانت می‌دهند تا در حضور بنی‌اسرائیل و آفتاب با آنها همبستر شوند و این را به کیفر آن رفتاری می‌کنند که تو با اوریا و همسرش کردی.»

داوود به ناثان گفت: «من از پیشگاه رب، عذر این خطا را می‌خواهم.» ناثان گفت: «خدا هم این خطایت را از تو برداشت و نادیده گرفت و تو به کیفر آن نمی‌میری، ولی از آنجا که تو با این رفتارت دشمنانی برای رب درست کردی که همه زبان به شماتت رب می‌گشایند، فرزندی که همسر اوریا برایت زاییده، خواهد مرد». پس خدا آن فرزند را مریض کرد و پس از هفت روز قبض روحش فرمود و بعد از آن، همسر اوریا، سلیمان را برای داوود به دنیا آورد و خداوند او را دوست داشت (کتاب سموئیل دوم، ۱/۱۲-۲۴).

نکات جالب توجه در متن کتاب سموئیل دوم که از نظر گذشت به قرار ذیل است:

۱. در داستان پیش‌گفته، کسی به عنوان دادخواهی نزد حضرت داوود علیه السلام نیامده، بلکه یکی از پیامبران بنی‌اسرائیل در آن عصر که ضمناً مشاور حضرت داوود علیه السلام هم بود، به عنوان پند و اندرز، داستانی را به شکل مثال برای او ذکر کرده است.
۲. حضرت داوود علیه السلام آن‌چنان ستمگری را مستحق قتل دانست آن هم به سبب غصب یک گوسفند!!! قتل چرا؟

۳. حضرت داوود علیه السلام حکم کرد که فرد توانگر باید به عوض یک گوسفند چهار گوسفند بدهد!!! (چهار برابر چرا؟)

۴. حضرت داوود علیه السلام به عمل زشت و گناه خود در مورد خیانت به همسر اوریا اعتراف کرد!!!

۵. خداوند حضرت داوود علیه السلام را عفو کرد!!! به همین سادگی؟

۶. خداوند تنها یک مجازات دنیوی برای حضرت داوود علیه السلام قائل شد و مقدر ساخت زانش به دست رفیقان او بیفتند و با آنان در روز روشن و در برابر چشم بنی اسرائیل همبستر شوند!!! حضرت سلیمان از یکی از همین زنان متولد شد!!! (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۲۲۰/۸-۲۲۱)

اگر حضرت داوود علیه السلام را پیامبر خدا بدانیم چنان که همه مسلمانان می دانند و از پاره‌ای از عبارات تورات نیز برمی آید - تنافی این اعمال با مقام نبوت، نیاز به کوچک‌ترین بحث و گفت‌وگو ندارد. اعمال پیش گفته، نه تنها با مقام عصمت نبوت سازگار نیست، بلکه اعمالی بسیار جنایت‌کارانه محسوب می‌شوند که از یک فرد عادی که مختصر غیرت و مردانگی داشته باشد نیز بعید به نظر می‌رسد. چگونه می‌توان باور کرد که خداوند از یک آدم قاتل که افسر مؤمن خود را عمداً به کشتن داده و زنا می‌کند، محصنه کرده، به آسانی درگذرد؟ (خویی، البیان، ۱۴۳۰: ۵۴/۵۰).

امام رضا علیه السلام در روایتی درباره سخنان بی‌اساسی که درباره حضرت داوود علیه السلام وجود داشت و در بین مردم آن زمان شایع بود، حقیقت را روشن نموده‌اند امام علی بن موسی الرضا علیه السلام هنگام گفت‌وگو با ارباب مذاهب مختلف در مورد عصمت پیامبران، به یکی از حاضران (علی بن جهم) فرمود: «شما درباره داوود علیه السلام چه می‌گویید؟» او گفت: «می‌گویند داوود علیه السلام در محرابش مشغول عبادت بود؛ شیطان به صورت پرنده زیبایی در مقابل او نمایان شد؛ داوود علیه السلام نمازش را شکست و به دنبال پرنده رفت». سپس افسانه دیدن زن اوریا را در حال غسل کردن، و دل به او بستن و همسرش را در پیشاپیش تابوت به میدان نبرد فرستادن و کشته شدن و ازدواج داوود با همسرش را شرح داد.

پس از این سخنان امام سخت ناراحت شد و دست بر پیشانی مبارک زد و فرمود: **إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ!** شما پیامبری از پیغمبران خدا را به سستی در نمازش متهم کردید! تا آنجا

که - همچون کودکان - به دنبال پرنده‌ای رفت، سپس او را به فحشا و بعد از آن به قتل انسان بی‌گناهی متهم ساختید!» علی بن جهم پرسید: «پس گناه داوود علیه السلام که از آن استغفار کرد و در قرآن به آن اشاره شده، چه بود؟» امام علیه السلام در جواب، عجله داوود علیه السلام را در مسئله قضاوت شرح داد.

علی بن جهم سؤال کرد: «پس داستان اوریا چه بوده؟» امام فرمود: «در زمان داوود علیه السلام زمانی که شوهرانشان از دنیا می‌رفتند یا کشته می‌شدند، هرگز ازدواج نمی‌کردند و این منشأ مفاسد فراوان بود. داوود علیه السلام نخستین کسی بود که خداوند این کار را برای او مباح کرد تا این سنت شکسته شود و زنان شوهر از دست داده، از بلا تکلیفی درآیند. بنابراین داوود علیه السلام بعد از آنکه اوریا - بر حسب تصادف در یکی از جنگ‌ها - کشته شد، همسرش را به عقد خود درآورد و این بر مردم آن زمان سنگین آمد و به دنبال آن، افسانه‌ها به هم بافته شد...» (صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۱۳۷۸: ۱/۱۹۳).

بنابراین، مسئله اوریا، یک ریشه واقعی ساده‌ای داشته که داوود علیه السلام به عنوان یک رسالت الهی آن را انجام داد، ولی افسانه‌پردازان و معاندانی که عادت به آوردن مطالب عجیب و دروغین دارند، شاخ و برگ‌هایی برای این قصه درست کرده‌اند و متأسفانه برخی تاریخ‌نگاران و مفسران مسلمان، به ویژه از اهل سنت، تحت تأثیر این اسرائیلیات قرار گرفته و آنها را در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند.

۴ - استناد مداوم به کتب طبری

نویسنده در مقاله زبور، به تفسیر و تاریخ طبری فراوان استناد کرده است (Schipfers, 2004: 4/316-317) «Psalms»، که ضرورت می‌نماید جایگاه این منابع به لحاظ اعتبار نزد دیگر علما و مفسران بررسی گردد.

بررسی جایگاه تفسیر طبری

تفسیر طبری، یکی از قدیمی‌ترین و جامع‌ترین تفسیرهای قرآن، اثر محمدبن جریر طبری، مفسر و مورخ قرن سوم هجری است (یاقوت حموی، معجم‌الادبا، ۱۳۱۵: ۴۴/۹). این کتاب، جایگاه خاصی در میان اکثر دانشمندان اهل سنت دارد، به طوری که سیوطی درباره آن آورده است: این برترین تفسیرهاست و همان‌گونه که همه دانشمندان گفته‌اند، مانند آن تألیف نشده است؛ زیرا در آن، بین روایت و درایت جمع شده و هیچ‌کس نه پیش از آن و نه بعد از آن، در آن ویژگی با آن مشارکت نکرده است. (سیوطی، طبقات‌المفسرین، بی‌تا: ۸۱)

ولی در میان دانشمندان شیعه و برخی دانشمندان اهل سنت، این کتاب مقبولیت چندانی ندارد؛ چنان که شیخ محمد عبده، طبری را به جنون حدیثی متهم کرده است. عبده در ذیل آیه «بشارت فرزنددار شدن به زکریا» می‌گوید: اگر افراط جنون‌آمیز وی در نقل روایات نبود، این گونه روایات سست و ناروا را نمی‌نوشت که موجب بدبینی و تمسخر دیگران و نشان‌دهنده بی‌مایگی است و خرد هرگز به پذیرش آن تن نمی‌دهد و از باور داشتن آن ابا دارد و قرآن هم به آن اشاره نکرده است (رشید رضا، المنار، ۱۴۱۴: ۲۹۸/۳-۲۹۹).

طبری با وجود اینکه در ذکر اسناد و روایات حدیث دقت می‌کند، غالباً به صحت و نقد سند، اعتنایی ندارد؛ از این رو، احادیث ضعیف‌السند و اسرائیلیات در تفسیر وی فراوان دیده می‌شود (ذهبی، التفسیر و المفسرون، بی‌تا: ۱/ ۲۱۲-۲۱۵).

داشتن تعصبات مذهبی و نقل روایات اندک از اهل بیت علیهم‌السلام از دیگر نقاط ضعف طبری است که از اعتبار اثر وی می‌کاهد (معرفت، التفسیر و المفسرون، ۱۴۳۳: ۲/ ۲۱۹).

با بیان این نکات، درمی‌یابیم اگرچه تفسیر طبری از امتیازاتی برخوردار است، در عین حال، استفاده از آن متخصصانی را می‌طلبد تا سره را از ناسره تشخیص دهند.

بررسی جایگاه تاریخ طبری

تاریخ الرسل و الملوک، اثر دیگر محمدبن جریر طبری (مشهور به پدر تاریخ) است (ابن ندیم، الفهرست، ۱۳۴۸: ۳۲۶). این کتاب از نظر منابع تاریخی، اهمیت زیادی دارد، به طوری که مسعودی در مروج‌الذهب در این باره می‌گوید: «تاریخ ابوجعفر محمدبن جریر، از همه تاریخ‌ها برتر است و بر همه کتاب‌های نوشته شده در تاریخ فزونی دارد» (مسعودی، مروج‌الذهب، ۱۴۰۹: ۱/ ۲۳).

طبری با نقل روایت راویان و حتی اختلافات جزئی آنان در یک حادثه، خدمت بسیار مهمی به تاریخ اسلام کرده است. اگر او همه این روایات را در این مجلدات جمع نمی‌کرد، بسیاری از اخبار گذشتگان به ما نمی‌رسید (یاقوت حموی، معجم‌الادبا، ۱۳۱۵: ۱۸/ ۶۸-۷۰).

این کتاب به رغم اینکه مطالب مفید و ارزشمندی دارد، به دلیل وجود پاره‌ای از اشکالات، در میان شیعه و بعضاً اهل سنت چندان قابل اعتماد نیست. برای نمونه، به چند مورد اشاره می‌گردد:

۱. هدف طبری در این کتاب، جمع‌آوری تمام گزارش‌های تاریخی بوده و وی مطالب را بدون در نظر گرفتن صحت و سقم آنها ضبط نموده، چنان‌که خودش نیز در مقدمه کتاب اعتراف کرده است (طبری، تاریخ الطبری، ۱۳۸۷: ۸۷/۱).

۲. برخی گزارش‌های تاریخی، از افراد بسیار ضعیف و دروغ‌گو نقل شده است که خود طبری نیز ضعیف و دروغ‌گو بودن این افراد را قبول دارد. جلد نخست کتاب، ذکر تاریخ جهان از آفرینش تا مبعث را شامل می‌شود که مملو از اخبار اسرائیلی و افسانه‌های حماسی است. این اخبار، بیشتر از طریق شخصی به نام سیف‌بن‌عمر نقل شده که علمای رجال او را تضعیف کرده و بر روایات وی نقدهای بسیاری وارد نموده‌اند (عسکری، عبدالله‌بن‌سبا و اساطیر اخی، ۱۴۱۷: ۵۷/۱).

بنابراین، کتاب تاریخ وی نیز مانند کتاب تفسیرش، نیاز به محققان مربوط به علم خودش را دارد تا گزارش‌های درست را از میان اخبار متعدد مطرح‌شده تشخیص دهند و آن را از اخبار تاریخ‌نگاران کذاب بیالایند.

نتیجه

شبیروز به دلیل رجوع نکردن به همه منابع اصیل اسلامی و استفاده از روایات ضعیف، نسبت‌های نادرستی (نوازندگی، روابط نامشروع و ...) را به حضرت داوود علیه السلام داده است که به هیچ وجه در نزد عموم مسلمانان، به‌ویژه اهل تشیع، پذیرفته نیست. وی در این مقاله، بیشتر از گزارش‌هایی استفاده کرده که مربوط به بخش نخستین تاریخ طبری است و همان‌طور که اشاره شد، این بخش از کتاب، سرشار از اسرائیلیات است؛ ضمن اینکه در بیان گزارش‌های تاریخی آن، سلسله سند ذکر نشده است. بنابراین، این استنادها هیچ ربطی به قرآن کریم و مسلمانان ندارد و بیشتر به حکایت‌های تورات تحریف‌شده نزدیک است و اعتبار و ارزش چندانی ندارد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مهدي فولادوند، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ق.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، تهران: انتشارات فهرست، ۱۳۸۵ش.
۳. کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، و ویلیام گلن و هنری مرتن، تهران: اساطیر، ۱۳۸۰ش
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ق.
۵. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، قاهره: مطبعة الرحمانية، ۱۳۴۸ق.
۶. باش، حسن، القرآن و التوراه این يتفقان و این يفترقان؟، بيروت: دارقتيبه، ۱۴۲۰ق.
۷. جوادى آملی، عبدالله، تفسير موضوعی قرآن کریم (سیره پیامبران در قرآن)، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۶ش.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
۹. خمینی، روح الله، مکاسب المحرمه، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۷ق.
۱۰. خوئی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۹۹۳م.
۱۱. ذهبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم، ۱۴۱۲ق.
۱۳. رشیدرضا، محمد، المنار، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۴ق.
۱۴. زمخشری، محمود بن عمر، الفائق فی غریب الحدیث، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
۱۵. سیوطی، جلال الدین، طبقات المفسرین، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
۱۶. شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، نجف: مطبعة الحیدریه، بی تا.
۱۷. صدوق، محمد بن علی، التوحید، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۸ق.

۱۸. صدوق، محمدبن علی، الخصال، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲ش.
۱۹. صدوق، محمدبن علی، امالی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۲۰. صدوق، محمدبن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تهران: نشرجهان، ۱۳۷۸ق.
۲۱. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۲۲. طبری، محمدبن جریر، تاریخ الطبری، تحقیق: محمدابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث، ۱۳۸۷ق.
۲۳. عسکری، مرتضی، عبدالله بن سبا و اساطیر اخری، تهران: المجمع العلمي الاسلامی، ۱۴۱۷ق.
۲۴. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۵. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۳ش.
۲۶. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۸. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، قم: دارالهجره، ۱۴۰۹ق.
۲۹. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ش.
۳۰. معرفت، محمد هادی، التفسیر و المفسرون، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۳۳ق.
۳۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۸ش.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۳۳. میرزا خانی، حسین، مبانی فقهی - روانی موسیقی از امام المجتهدین شیخ انصاری و استاد محمدتقی جعفری، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، بی تا.
۳۴. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم الادباء، قاهره: دارالمأمون، ۱۳۱۵ق.
35. Schippers, Arie, "Psalms", Encyclopedia of the Quran, Leiden: Brill, 2004.